

نیم سده



پژوهشگاه قرآن و حدیث
پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۵

محمّدی ری شهری، محمّد، ۱۳۲۵ -
میزان الحکمة با ترجمه فارسی / محمّد محمّدی ری شهری - [ویرایش دوم] - قم: دار الحدیث، ۱۴۲۷ ق =
۱۳۸۵.
۱۴ ج - ص - [پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۵]

ISBN (set): 978 - 964 - 493 - 350 - 9
ISBN: 978 - 964 - 493 - 351 - 6

عنوان اصلی: میزان الحکمة.
عربی - فارسی
کتابنامه: ج ۱۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. احادیث شیعه. ۲. احادیث اهل سنت. الف. عنوان ب. شیخی، حمید رضا، ۱۳۳۷ - مترجم

۲۹۷/۲۱۲

م ۹۹ ر ۹ / ۱۳۶ BP

فهرست نویسی پیش از انتشار، در کتابخانه تخصصی حدیث / قم.

۱۰۰۵

میزان الحکمه

(با ترجمه فارسی)

۱۱۹۹

۲۰ روده ۱۴ ص ۱۴

۱۶

۱۳۰۸۹

در اربعه

محمد بن علی شری

جلد اول

ترجمه: حمید رضاشانی



میزان الحکمة با ترجمه فارسی / ج ۱

محمد محمدی ری شهری

ترجمه: حمیدرضا شیخی

تحقیق و آماده سازی: پژوهشکده علوم و معارف حدیث

مدیریت تحقیق و آماده سازی: غلامحسین مجیدی

بازبینی علمی و نهایی: عبدالهادی مسعودی، حیدر مسجدی، مجتبی غیوری

مقابله و تصحیح: علی حچیمی، سید مرتضی طبایی، سید حمید حسینی، عباس پسندیده،

صادق حائری، مجتبی فرجی

ریاستار فارسی: سعیدرضا علی عسکری، محمد باقری زاده اشعری، قاسم شیرجعفری

ویراستار عربی: حاج کمال کاتب، عبدالکریم مسجدی، حسنین دباغ، علی دباغ پور

دوره خوانی فارسی و عربی: نفی ربانی، سید حسین محدث، محمود کریمیان، امیرحسین ملک پور،

رعد بهبهانی، حیدر وائلی

کنترل نهایی اصلان: محمود سیاسی، مصطفی اوچی، مهدی جوهرچی، محمد محمودی، علینقی نگران،

سید هاشم شهرستانی

اعراب گذاری: علی بصری

بازخوانی و کنترل اعراب: ناصر حکمت

مجری آماده سازی پیش از نشر: محمد باقر نجفی

فهرست ها: رعد بهبهانی، محمدحسین مظفر

کتاب شناسی: مهدی هوشمند

صفحه آرایی: محمد ضیاء سلطانی

خوش نویسی: حسن فرزندگان

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: شانزدهم / ۱۳۹۸

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۲۵۰

قیمت دوره: ۷۵۰۰۰ تومان



مؤسسه انتشاراتی دارالحدیث

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵ / تلفن: ۳۷۷۴۰۵۲۳ - ۰۲۵ / فاکس: ۳۷۷۴۰۵۷۱ - ۰۲۵ /

ص.پ ۴۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم) / تلفن: ۳۷۷۴۰۵۴۵ - ۰۲۵ / فروشگاه شماره «۲» (قم، خیابان معلم،

مجمع ناشران، طبقه همکف پلاک ۲۹) / تلفن: ۳۷۸۴۲۳۰۹ - ۰۲۵ / ۳۷۸۴۲۳۱۰ - ۰۲۵

فروشگاه شماره «۳» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام درب شرقی ۷) / تلفن: ۵۰۱۵۲۸۸۶۲ - ۰۲۱

فروشگاه شماره «۴» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام درب جنوبی) / تلفن: ۵۰۱۲۲۴۴۹۳ - ۰۲۱

<http://darolhadith.ir>

darolhadith.20@gmail.com

<http://shop.darolhadith.ir>

ISBN (set): 978 - 964 - 493 - 350 - 9

ISBN: 978 - 964 - 493 - 351 - 6



* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

۳۱۴۰۱۴۷۵۰۰۱۱۶۰

پیش‌گفتار ترجمه

حدیث، مادر علوم اسلامی است و پس از قرآن، مهمترین منبع فرهنگی مسلمانان است. معارف دینی و علوم گوناگون اسلامی، از تفسیر و فقه تا اخلاق و کلام و عرفان، سر در آبشخور زلال حدیث دارند و همه آنها میوه‌های شیرین این شجره طیبه هستند. حدیث، تراویده اندیشه پاکترین انسان‌هاست و میراث ماندگار ثقل کبیر (عترت) است که در کنار ثقل اکبر (قرآن)، بهروزی و رستگاری را برای انسان به ارمغان می‌آورد. دل‌بستگان راه سعادت، در طول تاریخ، این میراث جلال‌دانی را پاس داشته و به پیروی از فرمان پیشوایان پاک خود، در فراگیری، گردآوری، حفظ، نقل و فهم و نشر آن، بسی کوشیده و مجموعه‌هایی کوچک و بزرگ را برای تعلیم و مذاکره و یا عمل و مراقبه سامان داده‌اند.

عالم‌ان و محدثان بزرگ می‌دانستند که آگاهی مردم از «محاسن» کلام ائمه علیهم‌السلام برای گام نهادن بر جای پای ایشان «کافی» است و در طریقه «تهذیب» نفس و «استبصار» و نیل به «مکارم اخلاق» و «خصال» نیکو، تنها «مشکاتی از انوار» ائمه علیهم‌السلام و «دستاوردهای خرد» رهیافته به دین، کار است و این «ستاره‌های فروزان» امامت اند که از عهده هدایت بشر به «دریاهای نور» بر می‌آیند. «میزان الحکمه» امتداد این کوشش موزون و حکیمانه است و «مجمع البحرین» پیام‌های ثقل اکبر و کبیر که در پی پاسخگویی به پرسش‌های کهن و نو اندیشمندان از نگاه اسلام است. این اثر - که حاصل بیش از بیست سال کوشش شبانه‌روزی جناب آقای ری‌شهری است -، با بهره‌گیری از صدها کتاب حدیث و تفسیر و لغت و تاریخ، بیست و سه هزار حدیث را در کنار آیات متناسب با آنها در قالب ۵۶۰ عنوان اصلی و ۴۱۹۷ عنوان فرعی، دسته‌بندی موضوعی نموده است. ترتیب و نظم الفبایی موضوعات اصلی کتاب در کنار استفاده روشمند از نظام ارجاع‌دهی، پژوهشگر

را از مراجعه به بسیاری از منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، مستغنی می‌کند و استقبال چشمگیر از کتاب و چاپ‌های مکرر آن، نشان دهنده موفقیت این کتاب در پرکردن خلأ نسبی در زمینه معارف دینی بوده است. از این رو مؤلف محترم برای گسترانیدن دامنه بهره‌گیری از آن، ترجمه فارسی آن را به بنیاد پژوهش‌های اسلامی پیشنهاد کردند و توفیق این کار مبارک، هر چند دشوار و نفس‌گیر، نصیب مترجم توانمند آن بنیاد، جناب آقای حمید رضا شیخی شد و بدینسان برگه زرین بر افتخارات ایشان و نیز پیشینه شکوهمند ایرانیان در عرصه ترجمه متون دینی افزوده شد. ویرایش نهایی این ترجمه روان و شیوا نیز به عهده مسئول محترم بنیاد پژوهش‌های اسلامی، جناب حجة الاسلام والمسلمین علی اکبر الهی خراسانی، از عالمان و اساتید میرز حوزة علمیه مشهد، بود. جناب حجة الاسلام سید حسن اسلامی بازبینی نهایی آن را به انجام رساندند و حاصل کار، ویرایش نخست این کتاب بود که با استقبال کم نظیر کتاب‌خوانان روبرو گشت و بارها به چاپ رسید.

شایان ذکر است که در کنار ترجمه، به تصحیح و اعراب‌گذاری متن عربی نیز همت گماشته شد و آقایان بصری، هوشیاری و احسانی فر در اعراب‌گذاری و آقایان خوش نصیب، دباغ، افقی، مسجدی، وائلی و بهبهانی در نمونه خوانی متن عربی کتاب، از کوشش‌های بی‌شائبه خود، دریغ نورزیدند. پس از آن و با گذشت پنج سال و آشکار شدن پاره‌ای اشکال‌ها در متن عربی و فارسی، ویرایش مجدد متن عربی و فارسی آغاز شد و اصلاحات زیر در متن عربی انجام گرفت:

۱. افزودن و یا جابجایی برخی آیه‌ها.
۲. کامل آوردن آیات.
۳. افزودن برخی «بیان»ها در ابوابی که نیاز به توضیح داشتند.
۴. توضیح و تفسیر برخی لغات مشکل.
۵. حذف تعدادی از احادیث تکراری.
۶. اضافه کردن روایات به برخی از موضوعات کم روایت.
۷. مرتب کردن دوباره روایات به ترتیب خاندان رسالت ﷺ.

۸. تنظیم مجدد شماری از ابواب.

۹. تبدیل منابع ضعیف به قوی‌تر.

۱۰. تصحیح برخی اغلاط در اعراب کلمات.

متن ترجمه فارسی نیز به وسیله آقای علی‌عسگری با متن عربی مقابله شد و تغییرات و اصلاحات ضروری در آن انجام گرفت. ایشان به ویرایش متن نیز پرداختند و سپس همه اصلاحات پیشنهادی‌شان در متن و ترجمه به وسیله این جانب بازبینی شد. ویرایش بعدی ترجمه، توسط آقایان باقری‌زاده اشعری و شیرجعفری انجام گرفت و سپس کل کتاب، توسط آقایان علینقی نگران و سید هاشم شهرستانی و محمود سیاسی و مصطفی اوجی، نمونه خوانی و به وسیله آقای سلطانی، صفحه آرایی گردید. خوشنویس عنوان‌ها را هم آقای فرزانه‌کان به انجام رساند.

گفتنی است در ترجمه آیات، از ترجمه آقای محمد مهدی فولادوند با اندک اصلاحاتی استفاده کرده و برای برخی واژه‌ها، مکان‌ها و یا نام اشخاص - که مبهم می‌نمود - توضیح آورده و برای پرهیز از تطویل، متن عربی بیان‌ها و مقدمه‌ها را حذف و به ترجمه فارسی آنها بسنده نموده‌ایم.

در پایان و ضمن ابراز سپاس از همه کسانی که در سیر چند ساله بهسازی متن و ترجمه میزان الحکمه با دار الحدیث همکاری داشته‌اند، به ویژه جناب آقای مجیدی - که سرپرستی کار را در مراحل نهایی آن به عهده گرفتند - و با امید پاداش مضاعف از خداوند منان کرم، از همه خوانندگان گرامی خواستاریم تا یادآوری کاستی‌ها را از ما دریغ نورزند و اشتباهات را بر ما ببخشند.

وله الحمد

پژوهشکده علوم و معارف حدیث

عبد الهادی مسعودی

خرداد ۱۳۸۵

یادآوری و سپاس

خدای متعال را سپاس می‌گزاریم که بازنگری متن و ترجمه فارسی میزان الحکمه به پایان رسید و کوشش‌های دراز دامن پیشین و کنونی به ثمر نشست.

این جانب از مترجم فاضل کتاب، جناب آقای حمیدرضا شیخی و همچنین مدیریت محترم بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، برادر گران قدر، جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای الهی خراسانی، و نیز جناب حجة الاسلام سید حسن اسلامی، جناب حجة الاسلام عبد الهادی مسعودی، جناب حجة الاسلام غلامحسین مجیدی - که نظارت و مدیریت کار را در مرحله قبل و یا مرحله فعلی به عهده داشته‌اند - و جناب آقای محمد باقر نجفی و همه برادران دیگری که در تصحیح، تقویت منابع، اعراب‌گذاری و مراحل مختلف آماده سازی و نشر این کتاب، تلاش نمودند، کمال تشکر را دارم و برای همه این عزیزان، توفیق خدمت و نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام را از خداوند، خواستارم.

تذکر مهم

یکی از آداب مهم نقل حدیث، چگونگی نسبت دادن آن به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام است. کافی علیه‌السلام از امام علی علیه‌السلام روایت کرده است که:

إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ؛ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ.^۱

هنگامی که حدیثی را نقل می‌کنید، آن را به کسی که آن را روایت نموده، نسبت دهید، که اگر درست

باشد، به سود شماست و اگر دروغ باشد، به زیان راوی است.

بنا بر این، برای رعایت احتیاط، توصیه اکید داریم که کسانی که می‌خواهند از این کتاب یا سایر کتب روایی، حدیثی نقل کنند، آن را مستقیماً به پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ نسبت ندهند؛ بلکه حدیث را از طریق منبعی که آن را روایت کرده است، به آنان منسوب نمایند. برای نمونه، نگویند: «پیامبر ﷺ چنین فرمود» یا: «امام ﷺ چنین فرمود»؛ بلکه بگویند: «فلان کتاب، از پیامبر ﷺ چنین روایت کرده است» و یا بگویند: «از پیامبر ﷺ چنین روایت شده است».

محمد محمدی ری شهری

سوم مهرماه ۱۳۸۵

یکم رمضان ۱۴۲۷

پیش‌گفتار نخستین چاپ

به نام خدای بخشاینده مهربان

سپاس و ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است، و درود خدا بر سرور ما محمد و بر خاندان پاک و پاکیزه او، و نفرین خدا بر همه دشمنان ایشان تا روز رستخیز.

از همان نخستین سالهای زندگی علمی خود که فرا گرفتن علوم دینی را آغاز کردم، شوق فراوان و عشق شدیدی به مطالعه مسائل عقیدتی و اخلاقی در خود حس می‌کردم و برای درمان درد خود و فرونشاندن عطش خویش، گفته‌ای برتر از گفته خداوند بزرگ و سخنی بهتر از سخن پیامبر عظیم الشان و امامان پاک سرشت - که درود خدا بر همه آنان باد - نمی‌یافتم. این بود که در کنار تحقیقات و مطالعات دیگر خود در حوزه علمیه، بخش زیادی از اوقات خویش را به مطالعه قرآن و کتب حدیث اختصاص دادم.

در گرماگرم این کار توجه خود را روی دو نکته متمرکز ساختم که بندها آن دو را شالوده تحقیقات و مطالعات علمی و نوشته‌های خویش قرار دادم. این دو نکته عبارتند از:

۱- ضمن جستجو و کاوش در متون اسلامی، این اعتقاد راسخ در من پدید آمد که خیر و مندترین، ژرفترین، زیباترین و ساده‌ترین برهانهای علمی و فلسفی در زمینه آفرینش و رستخیز و موضوعات فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در لابلای این متون نهفته است. از این رو، دریغ می‌خوردم و از خود می‌پرسیدم: برآستی چرا دانشمندان و نویسندگان و اندیشمندان مسلمان تاکنون اهتمام و توجه درخور به این واقعیت نشان نداده‌اند؟ این بود که با دانش ناچیز خود به تعمق و تأمل بیشتر در موضوعات عقیدتی که بر ادله برگرفته از قرآن کریم و متون و روایات اسلامی استوار است، پرداختم؛ چرا که دیدم هم خود و هم جامعه‌ام به این امر سخت نیازمندیم.

این مطالعات و بررسیها فرصت خوبی برای من فراهم آورد تا برای شماری از طلاب علوم دینی حوزه علمیه شهر مقدس قم سلسله درسهایی در زمینه مبانی اندیشه اسلامی ایراد کنم. لذا از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۰ هـ. ش برابر با ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ هـ. ق برای طلاب پسر و دختر درسهایی مطرح کردم که بعضی از آنها چاپ و منتشر شده است.

البته قصد به خود بالیدن ندارم و نمی‌توانم ادعا کنم که هدف دلخواه خود، یعنی تدوین شالوده‌های اندیشه اسلامی بر طبق دلایل برگرفته از قرآن کریم و سنت شریف، را تحقق بخشیده‌ام، اما توانسته‌ام راه را فراروی آنان که می‌خواهند در این میدان گام نهند بگشایم و امیدوارم که علما و دانشمندان مسلمان این تلاش را ادامه دهند.

۲- نکته دومی که در خلال مطالعات و تحقیقاتم، توجه مرا به خود جلب کرد این است که احادیث اهل بیت علیهم‌السلام نیز مانند آیات قرآن کریم مفسر برخی دیگر است؛ از این رو، کسی که به احادیث اسلامی احاطه کامل داشته باشد می‌تواند آنها را به وسیله یکدیگر تفسیر کند.

به نظر می‌رسد که کار گردآوری و باب‌بندی روایات و احادیث مربوط به قضایای فقهی، اعم از عبادات و معاملات، به گونه‌ای تقریباً کامل انجام گرفته است؛ اما در خصوص مسائل فکری و اخلاقی و اجتماعی سوگمندانه چنین چیزی یافت نمی‌شود و اگر هم گوشه‌هایی صورت پذیرفته باشد، تقریباً قابل ملاحظه نیست. از این رو، چنانچه پژوهشگری بخواهد درباره مسائل پیشگفته اظهار نظر کند، لازم است به چندین کتاب و چندین مجلد مراجعه نماید که این خود وقت زیادی را می‌طلبد؛ و گاه دست یافتن به همه روایاتی که به او کمک می‌کند تا تحقیق خود را کامل گرداند و نظر درست و دقیقی ارائه دهد، میسر نمی‌گردد.

بدین سان دریافتیم که جامعه اسلامی به ویژه حوزه‌های علمیه به شدت نیازمند کتابی است که احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان او را به گونه‌ای تنظیم کند و ارائه نماید که پژوهشگر به آسانی بتواند حدیث مورد نیاز خود را در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و عملی دست یابد.

گرچه قدم گذاشتن به این میدان کار ساده‌ای نبود - و پژوهشگران از میزان دشواری آن آگاهند - لکن عشق من به حدیث محمد و خاندان او - صلوات الله علیهم اجمعین - مرا به پیمودن این راه تشویق کرد و بر آنم داشت تا برای تحقق بخشیدن به این آرمان آن چه می‌توانم انجام دهم.

تألیف این کتاب را به سال ۱۳۴۷ هـ. ش برابر با ۱۳۸۸ هـ. ق در زندان شهر مشهد آغاز کردم. از آن زمان هر

گاه فرصتی دست می‌داد، در کنار تدریس و مطالعه و تحقیق، کار فراهم آوردن این کتاب را پی می‌گرفتم و تقریباً تمامی ایام تعطیلات تابستانی را به انجام این کار اختصاص داده بودم.

از آغاز کار تقریباً به تمامی روایاتی که در مجلدات «بحار الأنوار» آمده است مراجعه و همه نکات مورد نظر را یادداشت کردم. این کار دو تا سه سال ادامه یافت. بعد از آن که نکات یادداشت شده را به صورت الفبایی مرتب نمودم بار دیگر به متون و منابع مراجعه و شروع به دسته‌بندی احادیث بر اساس موضوع و محتوا کردم. نمی‌دانم این تلاش چقدر طول کشید، اما سختی و مشقتی را که متحمل شدم تا این کار با موفقیت پایان پذیرفت، از یاد نمی‌برم.

ضمن کار در این کتاب به نکاتی چند برخوردم که در خور درنگ و تأمل است:

الف - فراوانی روایات تکراری در بحار الأنوار

در آن زمان به نظر می‌رسید که چنانچه روایات تکراری از بحار حذف شود ممکن است، از مجموع یکصد و ده جلد چاپ جدید، بیست جلد آن کم شود؛ زیرا افزودن ویر وجود احادیث فراوانی که به لحاظ متن همگون و تکراری هستند، به احادیث متعددی برخوردم که هم متن و هم سند آنها تکراری بود.

ب - کاستی چشمگیر در موضوعات کتاب بحار الأنوار

با آن که هدف مؤلف کتاب بحار - رضوان الله تعالی علیه - این بوده است که همه احادیث را - از صحیح و ضعیف - گردآورد؛ و به رغم تکرار بسیاری از احادیث، با این حال کاستی موجود در ابواب کتاب به گونه‌ای است که بسیاری از احادیث مربوط به یک باب را در ابواب دیگر می‌یابیم. برای نمونه، شمار احادیثی که در فضل «ادب» آمده هشت تاست اما احادیثی که از همین موضوع ادب، در دیگر ابواب و مجلدات بحار و غیر بحار آمده یکصد و بیست و پنج حدیث است، چنان که در مجموعه میزان الحکمة ملاحظه می‌فرمایید.

زمانی که سرگرم بازیابی و پرداخت نهایی کتاب بودم این اندیشه در ذهنم گذشت که به منابعی که مؤلف کتاب بحار به آنها اعتماد کرده و در اختیار ماست، مراجعه کنم. با مطالعه برخی از این منابع متوجه شدم نویسنده بحار بسیاری از احادیثی را که با فصلهای گوناگون این کتاب همخوانی دارد و به بررسی مسائل

اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند استخراج نکرده است. از این رو، در حد توان با مراجعه به منابع موجود، زمانی را به جبران این کاستی اختصاص دادم.

ج - استفاده از کتابهای حدیث اهل سنت

در ادامه تلاش برای به انجام رساندن کتاب حاضر، سودمند دیدم که به کتابهای اهل سنت نیز مراجعه کنم و احادیثی را که آنان نقل کرده‌اند و به مسائل مطرح شده در این کتاب مربوط می‌شود بر آن بیفزایم تا بدین ترتیب کتاب حاضر برای علاقمندان چنین مباحث و مطالعاتی از جهات گوناگون مفیدتر باشد. در اثنای این کوشش شماری از کتابهای اهل سنت، از جمله کتاب «کنز العمال» تألیف حسام الدین هندی (متوفای ۹۷۵ ه. ق)، را خواندم. این کتاب، که به لحاظ گستردگی و شمول، همانند «بحار الأنوار» است، شانزده مجلد و دوازده هزار و دویست و پانزده صفحه دارد. این شانزده جلد، چهل و شش هزار و ششصد و بیست و چهار سخن منقول را در خود گنجانده و چون بخشی از آنها ویژگی «حدیث» را ندارند شاید مجموع احادیث نقل شده در «کنز العمال» به حدود چهل هزار برسد.

با بررسی و پیگیری فصلهای کتاب نامبرده احساس کردم که به دیگر کتابهای اهل سنت تقریباً نیازی نیست؛ بنابراین احادیثی را که به نوع کار من در کتاب «میزان الحکمة» مربوط شد، تنها از آن نقل کردم.

در ضمن مطالعه «کنز العمال» ملاحظه کردم که شمار زیادی از روایات غیر مسند موجود در کتابهای ماز کتب اهل سنت نقل شده است.

همچنین به تعدادی از کتابهای شیعه و اهل سنت که بعداً نامشان خواهد آمد، مراجعه کردم و به هر بابی آیات قرآنی متناسب با آن باب را افزودم.

با همه سختیها و دشواریهایی که در راه فراهم آوردن این کتاب متحمل شدم هنوز در نیمه راه هستم و هنوز به هدف نهایی خود نرسیده‌ام؛ اما فضای عمومی و شرایطی که در آن به سر می‌برم و مسؤولیتهای بزرگی که به دوشم نهاده شده است، به من اجازه نداده که به امید تکمیل نهایی کتاب حاضر، چاپ و نشر آن را به تأخیر اندازم. البته اگر زنده ماندم به یاری خدا در آینده نهایت کوشش خود را به کار خواهم برد تا آنچه را آغاز کرده‌ام به کمال رسانم.

خاطره‌ای با استاد شهید مرتضی مطهری

فراموش نمی‌کنم آن روز از تابستان سال ۱۳۵۷ ه. ش (۱۳۹۸ ه. ق) - پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران - را که شهید مطهری - رحمه الله علیه - در منزل مادر شهر مقدس قم ظهر میهمان ما بودند. در آن هنگام استاد در پایان هر هفته برای جمعی از طلاب علوم دینی حوزه قم درسهایی پیرامون «شناخت در منطق قرآن» ایراد می‌کردند. به علت وجود پیوند و ارتباط میان این درسا و فصلی که در کتاب حاضر به «شناخت» اختصاص داده‌ام، فهرستی از عناوین این فصل کتاب را به ایشان نشان دادم. ایشان فرمود: «این آماده چاپ است» و تأکید کردند به همان شکلی که به ایشان عرضه کردم چاپ شود. سپس ادامه دادند: «شیوه دانشمندان غربی در تألیف این است که اگر کتاب تا حدّ معقولی سودمند باشد آن را چاپ می‌کنند و سپس در چاپهای بعد مطالب تازه‌ای به آن می‌افزایند». استاد شهید مطهری - رحمه الله - این شیوه را می‌ستودند. اما با این حال، من ترجیح دادم زمانی کتاب را چاپ و منتشر کنم که از کار تألیف آن کاملاً فراغت حاصل کنم؛ لیکن سرانجام به این باور و اعتقاد رسیدم که شرایط خاصی که اکنون من در آن به سر می‌برم اقتضا می‌کند هر چه زودتر آن را برای چاپ آماده سازم؛ چرا که مشکل است که دیگری جز خود من کار فصل بندی و آماده‌سازی این کتاب را به گونه‌ای که مطلوب و آرزوی من است، انجام دهد. سرانجام با وجود گرفتاریهایم، تصمیم گرفتم برای به پایان بردن کار این کتاب از ایام تعطیلی و اوقات فراغت شبانه بیشترین بهره‌برداری را بکنم. که بحمد الله، پس از گذشت چهارده سال از آغاز تألیف کتاب حاضر، این اثر به گونه‌ای شایسته و در خور به سرانجام رسید و به یاری خداوند بزرگ در فرصت مناسب کاستیهای آن را نیز جبران خواهم کرد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم سپاس فراوانم را تقدیم همسرم کنم که فضایی مناسب را در محیط خانه برای انجام کارهای فکری من فراهم آورد و در راه آفریدن جو سازگار با پژوهش و نگارش، پنج دشواریها و بارهای گران زندگی را به جان خرید.

اینک شما و «میزان الحکمة»؛ کتابی که آغازش «ایثار» است و فرجامش «یقین».

رجب المکرم ۱۴۰۳ ه. ق

برابر با ۱۳۶۲/۲/۱ ه. ش

حرفاء الف

١٧	الإيثار (إيثار)
٣٥	الأجر (پاداش)
٣١	الإجارة (اجاره)
٣٩	الأجل (اجل)
٥٥	الآخرة (آخرت)
٦٧	الأخ (برادر)
٩٧	الأدب (ادب)
١١٧	الأذان (اذان)
١٢٣	الإيذاء (آزردن)
١٢٩	التاريخ (تاریخ)
١٣٧	الأرض (زمین)
١٥٣	الأسير (اسیر)
١٥٧	الأسوة (سرمشق)
١٦٣	المواساة (مواسات)
١٧١	الأصول (اصول)
١٧٧	الأكل (خوردن)
١٩١	الألفة (افت)

١٩٥	الله (الله).....
١٩٩	الإمارة (فرمانروایی).....
٢٠٣	الأمل (آرزو).....
٢١٣	الْأُمة (امت).....
٢٢٥	الإمامة العامة (امامت عامّة).....
٢٧٥	الإمامة الخاصّة / الإمام عليّ بن أبي طالب (امامت خاصّه / امام عليّ).....
٣٠٧	أُمّ الْأُمة فاطمة (مادر امامان فاطمه).....
٣١٣	الحسنان (حسنين).....
٣١٩	الإمام الحسن بن عليّ (امام حسن مجتبی).....
٣٢٥	الإمام الحسين بن عليّ (امام حسين).....
٣٣٣	الإمام عليّ بن الحسين (امام سجّاد).....
٣٣٧	الإمام محمّد بن عليّ الباقر (امام محمّد باقر).....
٣٣١	الإمام جعفر بن محمّد الصادق (امام جعفر صادق).....
٣٣٧	الإمام موسى بن جعفر الخازم (امام موسى كاظم).....
٣٥١	الإمام عليّ بن موسى الرضا (امام رضا).....
٣٥٧	الإمام محمّد بن عليّ الجواد (امام جواد).....
٣٦٣	الإمام عليّ بن محمّد الهادي (امام هادي).....
٣٦٩	الإمام الحسن بن عليّ العسكري (امام حسن عسكري).....
٣٧٥	الإمام القائم (امام مهدی).....
٣٠٣	الإيمان (ایمان).....
٣٦٥	الأمانة (امانتداری).....
٣٧٥	الأمان (زنهاار دادن).....
٣٧٩	الأنس (همدمی).....
٣٨٣	الإنسان (انسان).....
٣٩٣	الإنشاء (ظرف).....
٣٩٥	الآفات (آفتها).....